

## مطالعه سفال دوره مس‌سنگ شهرستان هرسین، استان کرمانشاه

پریسا ناصری<sup>۱</sup>، محمود حیدریان<sup>۲</sup> و محمد اقبال چهری<sup>۳</sup>

چکیده

شهرستان هرسین در جنوب شرقی استان کرمانشاه قرار دارد. به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و شرایط مناسب زیست‌محیطی، همواره از مکان‌های مستعد استقرار جوامع انسانی بوده است. طی بررسی‌های باستان‌شناسی که در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۸ از سوی مترجم، محمدی‌فر و چهری انجام گرفت، ۲۲۱ محوطه باستانی در این منطقه شناسایی شده است. بر اساس یافته‌های سطحی در مجموع ۴۳ محوطه استقرار متعلق به عصر مس‌سنگ می‌باشد. مطالعات باستان‌شناسی انجام‌گرفته و فوور و تنوع سفال‌های شاخص در محوطه‌های مس‌سنگ شهرستان هرسین را نشان می‌دهد؛ بنابراین در این مقاله سعی بر آن است تا بر اساس یافته‌های سفالی، پرسش‌های زیر بررسی شود. داده‌های حاصل از بررسی میدانی منطقه معرف چه نوع الگوی ارتباطی در دوران مس‌سنگ هستند؟ کدامیک از فرهنگ‌های رایج زاگرس در دوران مس‌سنگ (قدیم، میانه، جدید) در منطقه مورد مطالعه گسترش داشته‌اند؟ روش انجام این پژوهش براساس مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (مطالعه مواد فرهنگی) است. این مقاله در پی آن است تا بر اساس سنت‌های بومی محلی و همچنین مقایسه تطبیقی سفال به معرفی و گونه‌شناسی سفال‌های شاخص دوره مس‌سنگ منطقه مورد مطالعه بپردازد. براساس مطالعات انجام‌گرفته سفال‌های این منطقه شامل سفال‌های نوع ز، دالما، سه‌گابی، BOB و red slip است. سفال منطقه مورد مطالعه به دو نوع سفال ساده و منقوش تقسیم می‌شود. بر اساس مقایسه سفال‌ها (بر مبنای مشخصات فنی و تزئینات سفال) و مطالعات انجام‌گرفته، سفال منطقه هرسین علاوه بر ویژگی‌های بومی و محلی دارای شباهت‌هایی با سفال کنگاور، ماهیدشت، آذربایجان و بین‌النهرین است.

**واژه‌های کلیدی:** شهرستان هرسین، گونه‌شناسی سفال، عصر مس‌سنگ.

**ارجاع:** ناصری پ. حیدریان م چهری م. ۱۳۹۸. مطالعه سفال دوره مس‌سنگ شهرستان هرسین، استان کرمانشاه. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۴(۲): ۲۳-۳۳.

۱- دانشجوی دکتری پیش از تاریخ دانشگاه بوعلی سینای همدان. p.naseri@art.basu.ac.ir

۲- استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد.

۳- عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. eghbal1262@yahoo.com

\* نویسنده مسئول: [hevdarianm@yahoo.com](mailto:hevdarianm@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۲

## مقدمه

شهرستان هرسین در زمره کوه‌های زاگرس مرکزی و حوزه رودخانه گاماسیاب، یکی از مناطق تاریخی- فرهنگی استان کرمانشاه است. این منطقه با داشتن شرایط مناسب اقلیمی و زیست‌محیطی نظیر کوه‌ها، دشت‌ها و دره‌های میان‌کوهی با منابع آبی فراوان چون رودخانه‌ها و چشمه‌ها و پوشش گیاهی غنی با خاک حاصل‌خیز، یکی از مناطق شاخص برای دوران پیش از تاریخ ایران محسوب می‌شود (Young and Smith, 1966: 306). وفور و تنوع سفال‌های شاخص در محوطه‌های مس سنگ شهرستان هرسین نشان می‌دهد که دشت‌ها و دره‌های میان‌کوهی شهرستان هرسین را می‌توان یکی از مسیرهای گسترده‌ی سنت سفالی مس سنگ از شمال به سمت مناطق جنوبی‌تر لرستان دانست و بنابراین همواره به عنوان پلی ارتباطی، فرهنگ‌های پیش از تاریخی کرمانشاه را با لرستان متصل کرده است.

در مطالعات پیشین باستان‌شناسی، جزئیات توالی مس-سنگ از حفاری و لایه‌نگاری سفال برخی محوطه‌های کنگاور، ماهی‌دشت و سایر دره‌های ارتفاعات زاگرس مرکزی و غربی شناسایی شده است که شامل تپه سه‌گابی B، گودین تپه XYZ، تپه سیاه بید و چغاماران در ماهی-دشت، پیزدلی، حاجی‌فیروز و دالم در دره سلدوز آذربایجان در شمال غربی است (Henrickson, 1985: 63). علاوه بر آن، گاف در بررسی لرستان سفال‌های شاخص مس‌سنگی را در مناطقی متصل به منطقه هرسین نظیر کاکاوند، چواری، دلفان، الیستر و خاوه شناسایی کرده است. طی بررسی‌هایی که مترجم، محمدی‌فر و چهری در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۸ انجام دادند، بر اساس یافته‌های سطحی در مجموع ۴۳ محوطه استقرار از دوران مس-سنگ، شناسایی شد که حاکی از اهمیت بالای منطقه در دوره مذکور است.

داده‌های باستان‌شناسی حاصل از بررسی یافته‌های سطحی نشان داده است که دشت‌ها و دره‌های میان‌کوهی شهرستان هرسین یکی از مناطق مهم بوده و در دوران مس‌سنگ، ارتباطات فرهنگی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با سایر نواحی دور و نزدیک داشته است. تاکنون به دلیل کمبود پژوهش‌های باستان‌شناسی، نحوه و چگونگی این ارتباطات فرهنگی بررسی و مطالعه نشده است؛ بنابراین در

این مقاله سعی بر آن است تا بر اساس یافته‌های سفالی، پرسش‌ها و فرضیات زیر بررسی شود:

۱- داده‌های حاصل از بررسی میدانی منطقه معرف چه نوع الگوی ارتباطی در دوران مس سنگ هستند؟  
۲- کدام یک از فرهنگ‌های رایج زاگرس در دوران مس-سنگ (قدیم، میانه، جدید) در منطقه‌ی مورد مطالعه، گسترش داشته‌اند؟

در این راستا فرضیات زیر در نظر گرفته شد:  
۱- داده‌های فرهنگی حاصل از بررسی‌های میدانی منطقه، نشان‌دهنده ارتباط فرهنگی منطقه‌ای با نواحی کنگاور (گودین و سه‌گابی) و ماهی‌دشت (جی) و فرامنطقه‌ای با آذربایجان (دالما) و سرزمین میان‌رودان (عبید) است.

۲- مانند دیگر نواحی زاگرس مرکزی در منطقه مورد مطالعه در دوره مس سنگ قدیم، فرهنگ گودین XI، در دوره مس سنگ میانی، فرهنگ‌های گودین X، IX و در دوره مس سنگ متأخر، فرهنگ‌های گودین VIII، VII و VI رواج داشته‌اند. هرچند که حضور سفال‌های شاخص مس-سنگ ماهی‌دشت در این منطقه بیان‌گر حضور فرهنگ‌های سفالی مناطق غربی‌تر نیز هست.

## موقعیت منطقه مورد مطالعه

شهرستان هرسین با ارتفاع ۱۵۸۲ متر بالاتر از سطح دریا در جنوب شرقی استان کرمانشاه واقع شده است و از شمال به صحنه و دینور، از شرق و جنوب به استان لرستان و از مغرب به دورود فرامان شهرستان کرمانشاه محدود است (شکل ۱). شهرستان هرسین در ۳۴ درجه و ۴ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۱۱ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. حداقل ارتفاع منطقه ۱۳۲۰ متر (بستر رودخانه گاماسیاب) و حداکثر ارتفاع آن حدود ۳۳۵۸ متر (کوه پرآو بیستون) است (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱). این شهرستان با دو بخش هرسین و بیستون، حدود ۱۰۱۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و فاصله آن با مرکز استان ۴۵ کیلومتر است. در منطقه علاوه بر دره‌های میان‌کوهی، دشت چمچمال و دشت مرتفع هرسین در بین کوه‌هایی نسبتاً بلند با خاکی حاصل‌خیز، آب و هوایی مناسب و وفور منابع آبی قرار گرفته است که برای فعالیت‌های کشاورزی کاملاً مساعد است و به همین دلیل از دیرباز تاکنون مورد توجه جوامع انسانی بوده است.

از مهم‌ترین رودخانه‌های شهرستان هرسین می‌توان به رودخانه گاماسیاب، دینورآب و کمیش اشاره کرد.



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی شهرستان هرسین

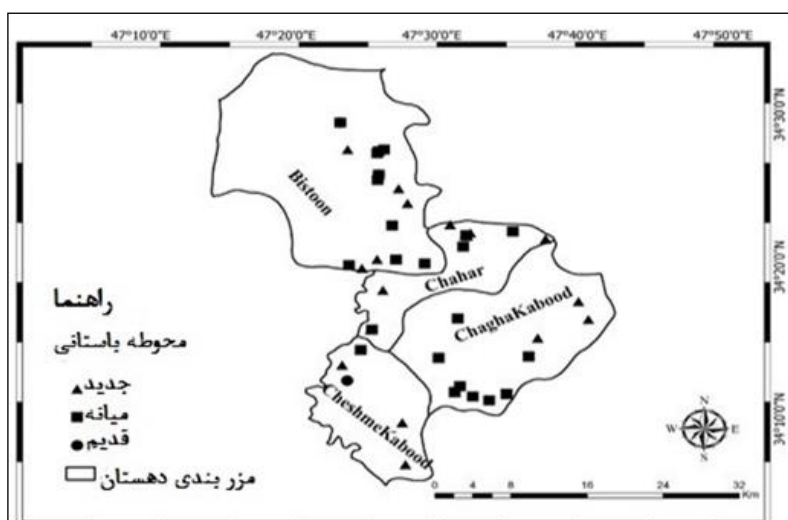
گاماسیاب در دوران مس‌سنگ (سعیدی هرسینی، ۱۳۸۵) از عمده کارهای انجام شده در این محدوده است.

#### روش‌شناسی و جامعه آماری پژوهش

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و ترکیبی از داده‌های میدانی و کتابخانه‌ای است و جامعه آماری آن را محوطه‌های مس‌سنگ هرسین تشکیل می‌دهد. محوطه‌های دارای مدرک باستان‌شناسی از دوره مس‌سنگ به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار گرفت. طی بررسی‌هایی که مترجم، محمدی‌فر و چهری در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۸ انجام دادند، ۲۲۱ محوطه باستانی شناسایی شد که بر اساس یافته‌های سطحی در مجموع ۴۳ محوطه استقرار مربوط به دوران مس‌سنگ هستند (شکل ۲). پژوهش حاضر به مطالعه مواد فرهنگی این محوطه‌ها می‌پردازد. در پژوهشی جداگانه و به منظور گاه‌نگاری محوطه‌ها، مجموعه سفال‌های جمع‌آوری شده از هر محوطه مورد بررسی قرار گرفت و پس از شناسایی محوطه‌های مس-سنگ و برای تثبیت گاه‌نگاری محوطه‌ها، تعدادی از سفال‌ها با دیگر محوطه‌های شاخص دوره مس‌سنگ هم-چون دالما، گودین، سه‌گابی، سیاه بید و چغاماران که دارای گاه‌نگاری قطعی هستند، مقایسه شدند (ناصری، ۱۳۹۳).

#### پیشینه مطالعات باستان‌شناسی

در زمینه پیشینه مطالعات باستان‌شناسی پیش از تاریخی در منطقه مورد مطالعه، می‌توان به بررسی محدوده هرسین از سوی گدار در سال ۱۹۳۱ میلادی اشاره کرد که برای نخستین بار انجام شد (هول، ۱۳۸۱: ۱۱۰)، عکس‌برداری هوایی ایران در سال‌های ۱۹۳۶-۱۹۳۵ (اشمیت، ۱۳۷۶؛ Schmidt, 1940)، حفاری غار شکارچیان بیستون توسط کوون در سال ۱۹۵۱ میلادی (Coon, 1951)، نخستین بررسی‌های روشمند پروژه پیش از تاریخی ایران به سرپرستی رابرت بریدوود طی سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ میلادی (Braidwood, 1961: 3-6)، شناسایی و گمانه‌زنی غار خر در بیستون مربوط به دوره برادوستین در سال ۱۹۶۵ م. توسط اسمیت و یانگ (Young and Smith, 1966)، حفاری‌های اسمیت در تپه گنج‌دره از دوره نوسنگی در سال‌های ۱۹۶۷، ۱۹۶۹، ۱۹۷۱ و ۱۹۷۴ میلادی (اشمیت، ۱۳۷۶)، بررسی منطقه هرسین در سال ۱۹۷۷ میلادی توسط اسمیت و مورتسن (Smith and Mortensen, 1980)، معرفی سه غار مرتاریک، مردودر و مرآفتاب (Biglari, 2000)، بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی هرسین در سال ۱۳۸۱ توسط مترجم و محمدی‌فر (۱۳۸۱) و طرح بازنگری منطقه در سال ۱۳۸۸ توسط چهری (۱۳۸۸) و بررسی و تحلیل داده‌های باستان‌شناختی حوضه رودخانه



شکل ۲- نقشه پراکنش محوطه‌های مس سنگی شهرستان هرسین

### یافته‌های سفالی مس سنگ منطقه

در منطقه هرسین استقرارهای پیش از تاریخی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. در این میان دوران مس سنگ جایگاه ویژه‌ای دارد. به نظر می‌رسد از ابتدای عصر مس سنگ قدیم و میانی ارتباط این ناحیه با حوزه دریاچه ارومیه و به خصوص فرهنگ دالما گسترش یافته است. هرسین در همین زمان با مناطق دیگری نیز در ارتباط بوده و مطالعه آثار سفالی و یافته‌های سطحی این دوره، ارتباط نزدیک محوطه‌های این ناحیه با محوطه‌های گودین هم‌زمان با عبید II و سه‌گابی کنگاور و ماهی‌دشت را نشان می‌دهد. ارتباط منطقه هرسین با ماهی‌دشت کرمانشاه در دوره‌های مس-سنگ قدیم و میانه را با شباهت سفال‌های آن به سفال‌های سیاه بید و چغاماران می‌توان مشاهده کرد. با مطالعه نقوش روی سفال‌ها، تشابه برخی از نقوش مشخص در همه محل‌های معرف دوره مس سنگ با مناطق هم‌جوار کاملاً واضح است؛ به گونه‌ای که نقش مثلث‌های معکوس و ایستاده هاشوردار که تمامی سطح سفال نوع دالما را پر می‌کرده‌اند با سفال‌های دالما (Young and Levine, 1974: 212)، سه‌گابی (Henrickson, 1983: 77-78)، سیاه بید و چغاماران (McDonald, 1968: 43-46) قابل مقایسه است. محوطه نازلین از محوطه‌های شاخص این دوره است که دارای سفال‌هایی از تمامی دوران مس سنگ از قدیم به جدید است. یافته‌های سفالی محوطه‌های مس سنگ منطقه نشان داد که نمونه‌های شاخص زیادی برای مقایسه با سفال‌های

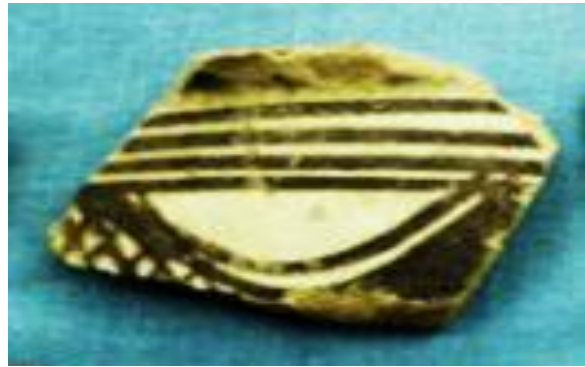
نواحی هم‌جوار و حتی نواحی فرامنطقه‌ای دورتر در شمال غربی و جنوب غربی ایران و میان‌رودان وجود دارد. بر اساس دوره‌های زمانی ذکر شده برای مس سنگ که شامل دوره‌های مس سنگی قدیم تا جدید است، می‌توان سفال-های منطقه را به شرح زیر تقسیم کرد:

### سفال مس سنگ قدیم (شکل ۳)

سه سفال مشخص این دوره تاکنون از محوطه‌های اطراف منطقه هرسین به دست آمده‌است که جملگی به عنوان سفال‌های شاخص برای شناسایی این دوره محسوب می‌گردند. شکل این سفال‌ها شباهت زیادی با سفال‌های منطقه ماهی‌دشت و موسوم به سفال نوع J دارند. این سفال دارای ویژگی‌های سفالی ترد و ظریف با پخت کافی است. این ظروف نخودی هستند و اغلب دارای تزئینات متفاوتی از ترکیب رنگ‌های سیاه و قرمز است که به صورت ساده و با نقوش ساده تزئین شده‌اند (Henrikson, 1985: 69). بریدوود این مجموعه سفال را با سفال گونه فرهنگ حلف مقایسه کرده است؛ سطح این نوع ظروف معمولاً به صورت کاملاً منقوش بوده است (McDonald, 1968: 40). سفال منقوش نوع شهن‌آباد که در کنار سفال نوع J از محوطه H7 به دست آمده دارای خمیره نخودی است و در قسمت بیرون آن با رنگ قرمز اخزایی نقوشی به صورت هلال‌هایی متصل به هم دیگر ایجاد شده است. این سفال به مراتب متراکم‌تر و با پرداخت فنی بهتر دارای پوشش رقیق گلی به رنگ‌های سیاه، قهوه‌ای، نارنجی و... بوده است و بنابراین معیار مطلوبی برای شناخت

**سفال دالما:** این گروه به سفال‌های گونه دالمای ساده، دالمای منقوش (شکل ۴) و دالمای ایمپرس یا فشرده (شکل ۵) تقسیم می‌شوند که تمامی این گونه‌ها در بین یافته‌های سطحی محوطه‌های مس‌سنگ شهرستان هرسین به دست آمده است. سفال‌های گونه دالما در شهرستان هرسین خمیره نخودی، خاکستری و بژ دارند که از لحاظ رنگ درونی و بیرونی، دارای رنگ‌هایی بین نخودی و قرمز است. ماده چسباننده سفال‌های دالمای منطقه با شاموت گیاهی و در مواردی شاموت ترکیبی است. سفال‌های دالما دست سازند و پرداخت نهایی آن‌ها نیز به صورت گلی غلیظ با پخت کافی هستند. با توجه به حوزه گسترش سفال‌های نوع دالما که از شمال غرب ایران در جنوب دریاچه ارومیه، استان کردستان، همدان، کرمانشاه و مناطق دوردست لرستان به دست آمده است، می‌توان یکی از مسیرهای اصلی گسترده‌ی سنت سفالی دالما از شمال به سمت مناطق جنوبی‌تر لرستان را منطقه هرسین دانست که همواره به عنوان پلی ارتباطی، فرهنگ‌های پیش از تاریخی کرمانشاه را با لرستان متصل کرده است. وفور و تنوع سفال‌های دالمایی در محوطه‌های مس-سنگ شهرستان هرسین دلیلی بر این مدعاست و علاوه بر آن، گاف در بررسی باستان‌شناسی لرستان سفال‌های دالمایی را در مناطقی متصل به منطقه هرسین نظیر کاکاوند، چواری، دلفان، الیستر و خاوه شناسایی کرده است (Henrickson 1983: 79).

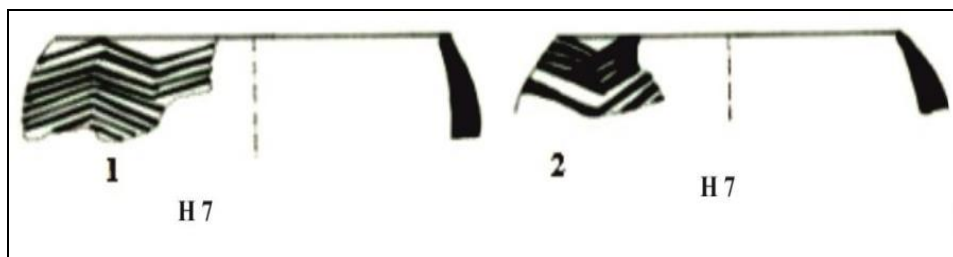
فرهنگ‌های این دوره محسوب می‌گردد (Levine and McDonald, 1977: 39-43).



شکل ۳. سفال مس و سنگ قدیم محوطه سنقرآباد

### سفال مس‌سنگ میانه

سفال مس‌سنگ میانه که بر اساس گاه‌نگاری گودین تپه نام‌گذاری شده است، خود به سه دوره مس‌سنگ میانه I، II و III تقسیم شده است. مطالعات انجام‌گرفته در منطقه زاگرس و خصوصاً دشت کنگاور و ماهی‌دشت در جنوب حاکی از گسترش استقرارهای این دوره نسبت به دوره قبل؛ یعنی دوره مس‌سنگ قدیم است (مترجم و محمدی-فر، ۱۳۸۱: ۱۲). از جمله سفال‌های شاخص به دست آمده در این دوره می‌توان به سفال‌های گونه دالما، سه‌گابی و برخی نمونه سفال‌های عبید یا دالما-عبید اشاره کرد.



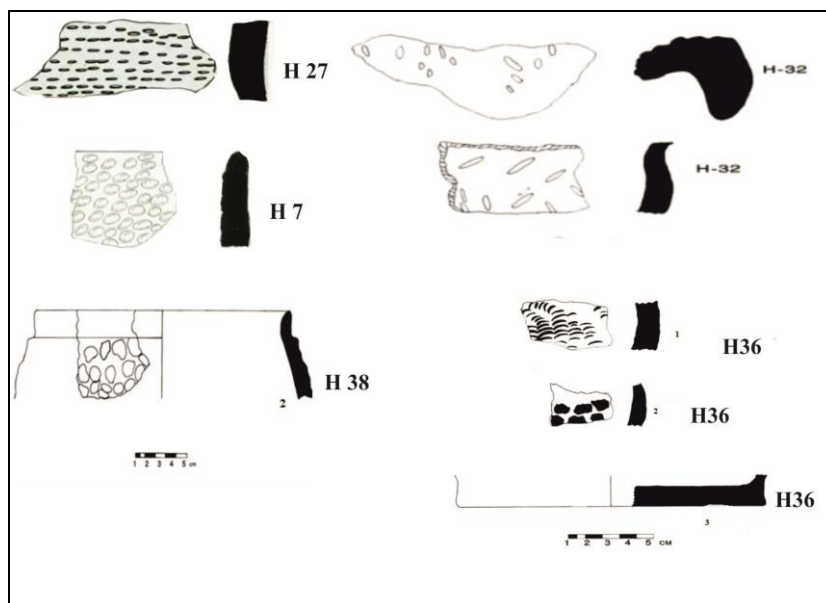
شکل ۴. سفال منقوش مس‌سنگ میانه، محوطه سنقرآباد

سفال دالما در شهرستان هرسین در محوطه‌های H-۳۵، H-۳۶، H-۲۸، H-۲۱، H-۹ و H-۳ شناسایی شده است. سفال ۱، ۳ و ۴ محوطه ۲۸ هرسین نوع دالمای فشاری است که با سفال محوطه ۷ هرسین دارای سفال نوع دالما قابل مقایسه با تپه سه‌گابی B می‌باشد (Henrickson, 1985, Fig.3, 77). سفال شماره ۵ محوطه ۹ هرسین قابل مقایسه با تپه سه‌گابی B می‌باشد (Levine and Young, 1986, fig. 8, 24). سفال شماره ۲ محوطه ۹ هرسین قابل مقایسه با تپه سه‌گابی B می‌باشد (Levine and Young, 1986, fig. 10, 24). سفال شماره ۱ محوطه ۲۱ قابل مقایسه با نوع سفال دالما می‌باشد (Hamlin, 1975, fig. c, 125). سفال شماره ۱ محوطه ۳۶ قابل مقایسه با

سفال شماره ۱، ۳ و ۴ محوطه ۲۸ هرسین نوع دالمای فشاری است که با سفال محوطه ۷ هرسین دارای سفال نوع دالما قابل مقایسه با تپه سه‌گابی B می‌باشد (Henrickson, 1985, Fig.3, 77). سفال شماره ۵ محوطه ۹ هرسین قابل مقایسه با تپه سه‌گابی B می‌باشد (Levine and Young, 1986, fig. 8, 24). سفال شماره ۲ محوطه ۹ هرسین قابل مقایسه با تپه سه‌گابی B می‌باشد (Levine and Young, 1986, fig. 10, 24). سفال شماره ۱ محوطه ۲۱ قابل مقایسه با نوع سفال دالما می‌باشد (Hamlin, 1975, fig. c, 125). سفال شماره ۱ محوطه ۳۶ قابل مقایسه با

قابل مقایسه با نوع سفال دالمای منقوش تپه سه‌گابی می‌باشد (Levine and Young, 1986, fig. 18. 1. 21). طرح سفال بدنه و لبه محوطه ۲۸ قابل مقایسه با سفال فشرده دالمای می‌باشد (Henrickson, 1983, fig. 2. 417).

تپه سه‌گابی B می‌باشد (Levine and Young, 1986, fig. 2, 24). سفال‌های شماره ۶ و ۷ محوطه ۷ قابل مقایسه با سفال تک‌رنگ و دورنگ سه‌گابی می‌باشد (Levine and Young, 1986, fig. 52. 3, 22; Henrickson, 1983, fig. 53. 6, 234). طرح سفال لبه و بدنه شماره ۲ محوطه ۳



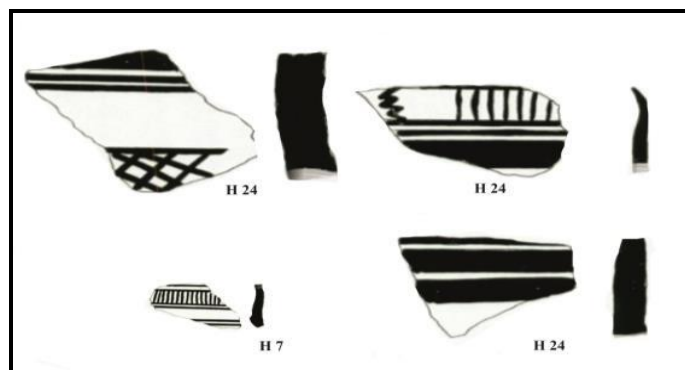
شکل ۵. سفال فشرده یا فشاری دالما از مس سنگ میانه

سفال شماره ۱ محوطه ۷ قابل مقایسه با سه‌گابی می‌باشد (Henrickson, 1985, fig. 6, 84; Levine and Young, 1986, fig. 6, 26). سفال شماره ۵ محوطه ۷ قابل مقایسه با سیاه‌بید می‌باشد (Henrickson, 1983: fig. 6, 410; fig. 0310.04, 129). سفال شماره ۴ محوطه ۲۴ قابل مقایسه با سفال سه‌گابی می‌باشد (Henrickson, 1983, fig. 20 2 287; Levine and McDonald, 1974, fig. 15, 69). سفال محوطه ۳۰ قابل مقایسه با سفال سه‌گابی می‌باشد (Henrickson, 1983, fig. 0311.01, 129). سفال شماره ۲ محوطه ۳۰ قابل مقایسه با سفال BOB چغاماران دشت ماهیدشت می‌باشد (Henrickson, 1985, fig. 1, 85). سفال شماره ۱ محوطه ۳۳ قابل مقایسه با سفال نوع سیاه‌بید می‌باشد (Henrickson, 1985, fig. 10, 127; Hamlin, 1975, fig. a, 127). این سفال هم‌چنین با سفال چغاماران نیز قابل مقایسه است (Henrickson, 1985, fig. 19, 92). سفال شماره ۳ محوطه ۳۵ قابل مقایسه با سفال منقوش سه‌گابی می‌باشد (Levine and Young, 1974, fig. 12, 234). سفال شماره ۲ محوطه ۳۵ قابل مقایسه با سفال سه‌گابی گودین تپه می‌باشد (Levine and

سفال نوع سه‌گابی (شکل ۶): این نوع سفال ویژگی سفال دالما را در خود ندارد. این مجموعه از سفال شامل بسیاری از ویژگی‌هایی است که قبل از آن وجود نداشته است. سفال سه‌گابی یکی از شاخصه‌های شناسایی این نوع سفال می‌باشد (Young and Levine, 1974: 4). همه سفال‌های موجود در سه‌گابی دست‌ساز هستند. ماده چسباننده کاه و تنوع رنگ دارند و با نقوش مختلف تزئین شده‌اند. در برخی موارد دور تا دور لبه آن به شکل مثلث است. این نوع سفال احتمالاً بعد از دوره دالما به دست آمده است (Young and Levine, 1974: 212). سفال‌های شهرستان هرسین نیز تمام ویژگی‌های دوره مس سنگ سه‌گابی را دارا می‌باشند. سفال نوع سه‌گابی در محوطه‌های H-۹، H-۷، H-۲۱، H-۳۶ و H-۳۰ شناسایی شده است. ظروف BOB که به سفال‌هایی نقوش سیاه بر روی زمینه نخودی‌رنگ معروف شده‌اند (Henrickson, 1985: 419). در محوطه‌های H-۳، H-۴، H-۷، H-۲۱، H-۳۵، H-۳۶، H-۳۰، H-۲۵، H-۲۴، H-۳۳ و H-۲۳ شناسایی شده‌اند. سفال شماره ۱ محوطه ۴ قابل مقایسه با نوع تپه سه‌گابی می‌باشد (Levine and McDonald, 1974, fig. )

تپه سیاه‌بید می‌باشد (Henrickson, 1983, fig.22, 413; (fig.10, 411 H-۹ و H-۷ از سطح محوطه‌های H-۹ و H-۷-۱ شناسایی شده و سفال نوع DUP از محوطه‌های H-۹ و H-۷ شناسایی شده است. سفال شماره ۱ محوطه ۱ قابل مقایسه با سفال عبید منقوش ماهیدشت می‌باشد (Levine and MacDonald, 1977, fig. 46).

(Young, 1986, fig.3, 29). لبه و بدنه سفال شماره ۲ محوطه ۱۰ طرح قابل مقایسه با سفال تپه B سه‌گابی می‌باشد (Levine and Young, 1986, fig.15, 26). طرح سفال محوطه ۱۵ قابل مقایسه سفال BOB ماهیدشت تپه سیاه‌بید می‌باشد (Levine and Young, 1986, fig.9, 30). طرح سفال محوطه ۲۵ قابل مقایسه با محوطه چغاماران و



شکل ۶: سفال منقوش سه‌گابی از مس‌سنگ میانه

هرسین ظاهر شده است (دایسون و ویت، ۱۳۸۲: ۱۲۱). سفال‌های مس‌سنگ جدید منطقه زاگرس سفال نخودی ساده همراه با لعاب قرمز و سفال صیقل داده شده هستند. از ویژگی‌های این دوره در منطقه هرسین می‌توان به نبود ظروف منقوش، ظروف لعاب قرمز و سفال صیقل داده شده براق اشاره کرد. سفال نوع گودین VI منطقه به صورت قطعات سفالی ساده با شاموت گیاهی بلند و خرد نشده دیده می‌شود؛ اما ظروف نخودی منقوش این دوره با کیفیتی پایین‌تر می‌تواند قابل مقایسه با ظروف منقوش تپه گیان V باشد. سفال‌های منقوش این دوره مشابه با گیان و گودین، صرفاً از محوطه H-۱ به دست آمده است و نقش کنده با نوارهای موازی نیز تنها در H 34 محوطه شناسایی شده است.

فراوانی ظروف ساده در مقایسه با ظروف منقوش این موضوع را بیان می‌کند که ظروف ساده به تدریج جایگزین سفال‌های نخودی منقوش شده‌اند. سفال‌های ساده مس-سنگ جدید در منطقه هرسین درجه سختی بیشتری در مقایسه با سفال‌های منقوش دارند، هرچند که نمی‌توان هیچ خلأ یا وقفه زمانی را بین سفال‌های مشابه با گونه گودین VII و VI تشخیص داد. سفال‌های مس‌سنگ جدید منطقه هرسین دست‌ساز با شاموت گیاهی و در مواردی ترکیبی هستند که پرداخت نهایی آن‌ها به صورت صیقلی با

**سفال عبید و دالما عبید:** ظروف منقوش دالما عبید با علامت اختصاری DUP<sup>۱</sup> شناخته می‌شود. در مقایسه با ظروف سه‌گابی و دالما این ظروف به صورت تک‌رنگ منقوش شده‌اند و سنت عبید را در سرزمین‌های پست غرب نشان می‌دهند. در حقیقت DUP از نظر فنی و تزئینات با سرزمین‌های پست و دالما متفاوت است. در ناحیه دالما ظروف منقوش بدون شاموت هستند. سفال نوع دالما عبید (DUP) سفال‌های بسیار ظریفی هستند که بدون لعاب می‌باشند و رنگ سفال قرمز است؛ نقوش آن با رنگ مات مایل به خاکستری تزئین شده است (Henrickson, 1985: 75). سفال نوع دالما عبید منقوش (DUP) از محوطه‌های H-۹، H-۱ و H-28 شناسایی شده است.

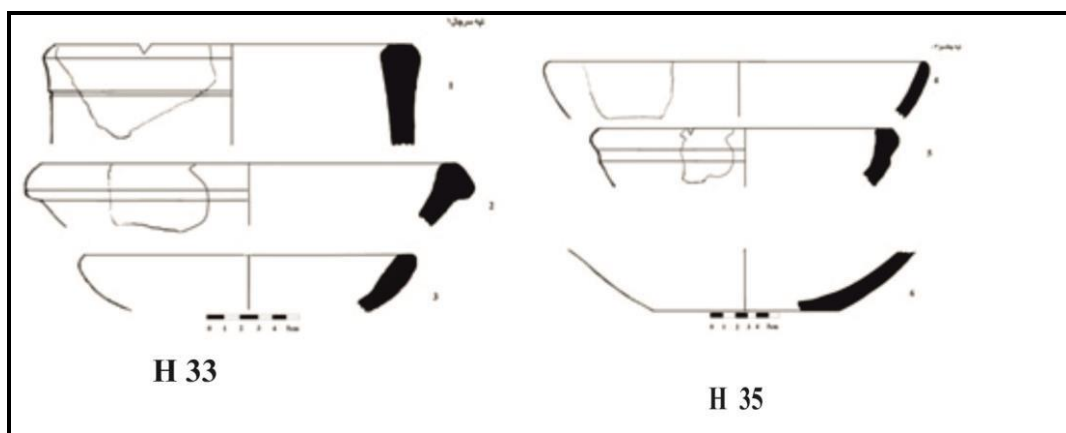
#### سفال مس‌سنگ جدید (شکل ۷)

نوع سفال دوره مس‌سنگ جدید را بر اساس گاه‌نگاری گودین تپه دوره‌های VII و VI می‌توان معرفی کرد. در گودین VII سفال‌ها ساده و معمولاً یک‌نواخت هستند؛ هر چند که سفال این دوره در ماهی‌دشت حضور ندارد اما در محوطه‌های مناطق شرقی‌تر زاگرس مانند ملایر و آوج به طرف شرق دشت همدان، گیان و محوطه‌هایی در منطقه

شماره ۲ محوطه ۴۲ قابل مقایسه با سفال گودین VI می‌باشد (Young, 1969, fig. 9: 65).

**سفال نوع Red slip:** این نوع سفال دارای بیشترین مقدار نوع سفال مس‌سنگ در محوطه‌های شهرستان هرسین است. این سفال از محوطه‌های H-۳، H-۴، H-۵، H-۶، H-۸، H-۱۰، H-۱۲، H-۱۳، H-۱۴، H-۱۵، H-۱۶، H-۱۸، H-۲۴، H-۲۰، H-۲۲، H-۲۴، H-۲۶، H-۳۶، H-۳۸، H-۳۵، H-۳۴، H-۳۳، H-۳۱، H-۳۰، H-۴۲، H-۴۱ و H-۲۷ به دست آمده است. سفال منقوش گودین از محوطه H-۱ به دست آمده است.

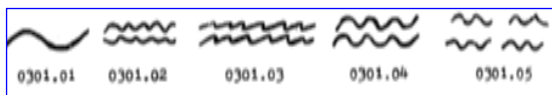
لعاب گلی غلیظ بوده‌است. رنگ خمیره سفال‌ها نیز در طیفی از قهوه‌ای روشن تا خاکستری دیده می‌شود که رنگ سطح بیرونی و درونی سفال نیز به صورت قرمز، نخودی و بژ است. موارد قابل مقایسه‌ای که در سفال‌های شاخص این دوره از منطقه هرسین قابل مقایسه با سفال سایر محوطه‌های حفاری شده است بدین‌گونه هستند: سفال شماره ۱ محوطه ۶ قابل مقایسه با سفال چغاماران می‌باشد (Henrickson, 1983, fig.427, 85). طرح سفال شماره ۱ محوطه ۲۸ قابل مقایسه با گودین VII می‌باشد (Levine and McDonald, 1974, Fig 5, 65). لبه و بدنه سفال شماره ۱ محوطه ۴۲ قابل مقایسه با سفال گودین VI می‌باشد (Young, 1969, fig.7, 65). لبه و بدنه سفال



شکل ۷. سفال مس‌سنگ جدید

محوطه‌های h1، h7، h16، h24، h30، h35 و h33 دوره-های میانه و جدید هرسین مشاهده شده است. نمونه‌های این‌گونه نقوش سفال که در محوطه‌های چال‌چال، چغاسبز، شادآباد سفلی و مووه دره نیز به دست آمده است با تل اوقیر، اور، اورک، وارکا، ارپاچی، چغابازار، گاورا XVIII، سامرا، یاریم I، آموگ C، مرسین XIV و سیلک IV (Von and Stucki, 1968. Tafel, I: 2c) قابل مقایسه است. نمونه‌های مشابه با نقوش عمودی محوطه‌های نازلین، چغاسبز ۳ نیز با سفال‌های منقوش تپه رأس‌المیه قابل مقایسه است (Stronach, 1961).

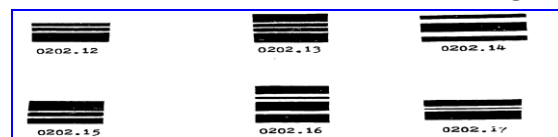
#### نقش خطوط موجی عمودی و افقی



#### نقوش سفال دوره مس‌سنگ در منطقه مورد مطالعه:

در مورد نقش‌مایه‌های سفال‌های منقوش به دست آمده از منطقه و با توجه به طبقه‌بندی سفال‌ها می‌توان گفت بیشترین میزان نقوش مربوط به نقوش هندسی است. تنها از یک محوطه نقوش کنده هندسی به دست آمده که مربوط به نقوش بومی - محلی منطقه هرسین است. در ادامه به معرفی شاخص‌ترین نقوش هندسی به دست آمده خواهیم پرداخت:

#### نقوش عمودی و موازی



این نقوش به صورت خطوط موازی افقی، عمودی و مورب روی لبه ظروف به کار رفته است که احتمالاً نشان‌دهنده نمادی از راه زمینی است. نقوش یاد شده در سفال‌های



آمیه II، بغازکوی، چغابازار 12، سامرا، جان حسن 2a، چاتال هویوک غربی، مرسین، گیان، چیا سیاه و چغاسبیز (Von and Stucki, 182, Tafel, V: 100a) دیده می‌شوند. نقش خطوط موجی به کار رفته روی سفال‌های مس‌سنگ در تپه چال چال و قبرستان قدیم بلوردی قابل مقایسه با برخی سفال‌های دوره حلف در ارپاچیه (Mallowan and Craikhank, 1935) و دوره حلف در چغابازار (Mallowan, 1936) است. هم‌چنین در نقوش سفالینه‌های تل اوقیر، تملو، اور، اوروک IV، گاوارا، حسونا، جمدت النصر، خفاجه، یاریم، کارکمیش، مرسین XXI و یانیک این نوع نقوش به کار برده شده است (Von and Stucki, 188, Tafel, VII: 141b, VIII: 141c, 141d).

### نقوش شبیه دال



این خطوط به اشکال مختلف و در جهت‌های گوناگون روی لبه و در قسمت بدنه خارجی ظروف سفالی منقوش به کار رفته است. یکی از روش‌های تزئین این گروه، استفاده سفالگران از خطوط موازی افقی در بین نقوش است (حیدریان، ۱۳۸۵: ۱۹۵) و نقوش دال‌شکل در محوطه h34 با شکلی مناسب و شاخص، شناسایی شده است. طرح نقوش شبیه دال روی سفال‌های منقوش تپه پل بزرگ قابل مقایسه با ارپاچیه دوره عبید (Mallowan and Craikhank 1935: 134) بوده است. نقش دالبری با زاویه حاد در نمونه شماره ۳۷ محوطه H4 مشابه نمونه‌ای در تپه جوی (همان، ص ۱۲۳، شکل ۳۷)، سیلک (واندنبرگ، همان، شکل ۴۲: طرح شماره ۲)، تل باکون (علیزاده، همان، شکل ۳۰، طرح ۱) و نمونه ای از لایه m-3 n جعفرآباد است.

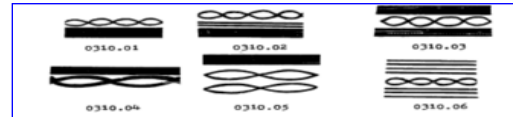
### نقوش دالمایی فشرده یا ایمپرس<sup>۱</sup>



یکی از رایج‌ترین و بیشترین نقوش به دست‌آمده روی سفال‌های مس‌سنگ میانه در منطقه، سفال‌های دالمایی

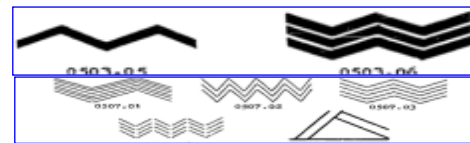
نقش خطوط موجی خود به دو گروه خطوط موجی افقی و خطوط موجی عمودی تقسیم می‌شود. در برخی از موارد در چند ردیف مابین خطوط موازی، حلقه‌های بیضی‌شکل متصل به هم هاشوردار و یا در بین آن، خطوط پهن موازی هاشوردار به کار رفته است (Henrickson, 1983: 126). این گونه نقوش مشابه با محوطه h24 مرسین می‌باشد که مربوط به دوره مس‌سنگ میانه و جدید است. مشابه این نقوش در تل اوقیر، اور، اوروک XVIII، ارپاچیه ۶، گاوارا، شمشارا ۱۱، آموک E، مرسین XIX، بغازکوی، تارسوس، آمیه، اریدو، حاجی محمد، نوزی Xa، گپ، حصار Ib و سیلک (Von and Stucki, 194, Tafel, IX: 170c, 171d, 171e) به دست آمده است.

### نقش حلقه‌های بیضی‌شکل پیوسته



این گونه نقوش روی سفال‌های مربوط به دوران مس‌سنگ میانه در محوطه‌های h30 و h7 شناسایی شده است (Henrickson, 1983; Henrickson, 1985: 126-127). نمونه‌های این دسته نقوش به دست آمده در سفال محوطه‌های نازلین، مووه دره با سفال منقوش دوره حلف در ارپاچیه همچنین در حلف، نینوا، مرسین XVIII (Von and Stucki, 194, Tafel, IX: 177h, and Stucki, 194, Tafel, IX: 177h, قابل مقایسه است.

### نقوش خطوط موجی (زیگزاگی)



این نقوش عموماً در بین دو یا چند خط موازی ظاهر می‌شوند و به دو گروه زیگزاگ‌های افقی و یا خوابیده و زیگزاگ‌های ایستاده و عمودی تقسیم شده‌اند؛ شامل زیرگروه‌های ردیف زیگزاگ‌ها با خطوط پهن، ردیف زیگزاگ‌های با خطوط باریک، ردیف زیگزاگ‌های با خطوط هاشورزده، ردیف زیگزاگ‌های مشبک و زیگزاگ‌های جفتی توأمان مشبک و زیگزاگ‌های با خطوط ساده می‌شوند. این نقش در سفال محوطه‌های نازلین، h33، h7 شناسایی شده و قابل مقایسه با حسونا IV و متارا (Von and Stucki, 182, Tafel, V: 91d, 83b, Stucki, 182, Tafel, V: 91d, 83b) است. زیگزاگ در

ارتباط بوده و مطالعه آثار سفالی و یافته‌های سطحی این دوره، ارتباط نزدیک محوطه‌های این ناحیه با محوطه‌های گودین هم‌زمان با عبید II و III، سه‌گابی کنگاور، ماهی-دشت و به میزانی کمتر با میان‌رودان را نشان می‌دهد. با توجه به حوزه گسترش سفال‌های نوع دالما که از شمال-غرب ایران در جنوب دریاچه ارومیه، استان کردستان، همدان، کرمانشاه و مناطق دوردست لرستان به دست آمده است، می‌توان یکی از مسیرهای اصلی گسترده‌ی سنت سفالی دالما از شمال به سمت مناطق جنوبی‌تر لرستان را منطقه هرسین دانست که همواره به عنوان پلی ارتباطی فرهنگ‌های پیش از تاریخی کرمانشاه را با لرستان متصل کرده‌است. وفور و تنوع سفال‌های دالمایی در محوطه‌های مس سنگ شهرستان هرسین دلیلی بر این مدعاست. با مطالعه نقوش روی سفال‌ها، تشابه برخی از نقش‌مایه‌های مشخص در محوطه‌های دوره مس سنگ با مناطق هم‌جوار و نواحی غیر هم‌جوار در این بازه زمانی، کاملاً واضح است؛ به‌گونه‌ای که نقش مثلث‌های معکوس و ایستاده هاشوردار که تمامی سطح سفال نوع دالما را پُر می‌کرده‌اند، با سفال‌های دالما، سه‌گابی، سیاه‌بید و چغاماران قابل مقایسه است. محوطه تپه قبرستان بلوردی (گناوه) را می‌توان به عنوان یک تپه شاخص برای وجود سفال‌های دالما عبید معرفی کرد. محوطه نازلین از محوطه‌های شاخص این دوره است که دارای سفال‌هایی از تمامی دوران مس سنگ از قدیم به جدید است. محوطه مووه دره و محوطه‌های چغاسبز ۱ و چغاسبز ۳ به دلیل وجود انواع سفال‌های منقوش دالما از محوطه‌های مهم این دوره محسوب می‌شوند. محوطه‌های صحبت‌آباد، نجوبران، قبرستان قدیم بلوردی، محوطه شیران بیشه میرمینک، شادآباد سفلی و چال‌چال از محوطه شاخص دوره مس سنگ میانی هستند.

فشرده است که در سطحی وسیع روی سفال محوطه‌های دالمایی در مناطق مختلف از آذربایجان تا زاگرس مرکزی قابل مشاهده است. در این نوع تزئین، نقاط دلخواه ظروف سفالی را در حالت نیمه‌خشک با انگشت و یا با ابزار نوک‌تیز به صورت نقطه‌های فرورفته، نقش‌های ناخنی کنده، انگشتی فرورفته و کنده قطره‌ای شکل تزئین می‌کنند. این نقوش در محوطه‌های h4،h8، h28،h35،h30 و h21 شناسایی شده است. بنابراین در این زمینه نمونه‌های مشابه زیادی از محوطه‌های باستانی مناطق مختلف موجود است که برای مثال نقش سفال محوطه کهنه سنقرآباد قابل مقایسه با سفال منقوش دالما عبید و نمونه ۴۶ سفال منقوش عبید در ماهی‌دشت است. سفال نمونه ۱ محوطه قبرستان قدیم بلوردی قابل مقایسه با شکل ۴ نمونه ۲۱،۳ دالما (Hamlin, 1975: 125, fig. 8: c)، سه‌گابی (Young, Goff, 1969: 67, fig. 10: 2,3,8-10) پیشکوه لرستان (Ibid, p.138, fig. 3: 32, 33, 35, 36, 45) و سیاه‌بید (Young, 1969: 31, fig.13) می‌باشند.

### نتیجه‌گیری

در دو فصل بررسی شهرستان هرسین تعداد ۴۳ محوطه استقرار مس سنگ شناسایی شده‌است. با توجه به مطالعه و مقایسه یافته‌های سطحی محوطه‌های مس سنگ منطقه می‌توان گفت ۳ محوطه دارای استقرار مس سنگ قدیم بودند و تنها چند تکه سفال از آن‌ها به دست آمده است. ۲۴ محوطه دارای استقرار مس سنگ میانه و ۳۷ محوطه دارای استقرار مس سنگ جدید هستند. بر اساس مطالعات انجام شده می‌توان اذعان داشت که از ابتدای عصر مس-سنگ قدیم و میانی ارتباط این ناحیه با حوزه دریاچه ارومیه و به خصوص فرهنگ دالما گسترش یافته است. منطقه هرسین در همین زمان نیز با مناطق دیگری در

### منابع

۱. اشمیت، اریک، ۱۳۷۶، پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران، تهران، امیرکبیر.
۲. چهری، محمدآقبال، ۱۳۸۸، طرح بازنگری بررسی و شناسایی، مستندسازی و تعیین حریم آثار باستانی شهرستان هرسین، آرشیو سازمان میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی استان کرمانشاه (منتشر نشده).
۳. حیدریان، محمود، ۱۳۸۵، معرفی سفال پیش از تاریخی دشت میان‌کوهی سنقر، بررسی روشمند تپه خدایی، سید مهدی موسوی کوهپر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، ادبیات و علوم انسانی (منتشر نشده).
۴. سعیدی هرسینی، محمدرضا، ۱۳۸۵، بررسی و تحلیل داده‌های باستان‌شناختی حوضه‌ی رودخانه‌ی گاماسیاب در دوران مس سنگی، حمید خطیب شهیدی، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی (منتشر نشده).

۵. رحیمی، کیومرث، ۱۳۷۹، هرسین در گستره تاریخ، کرمانشاه، طاق بستان.
۶. مترجم، عباس و محمدی‌فر، یعقوب، ۱۳۸۱، بررسی باستان‌شناختی شهرستان هرسین، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).
۷. هول، فرانک، ۱۳۸۱، باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، چاپ اول، تهران؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
۸. دایسون، رابرت هنری و ویت، مری، ۱۳۸۲، گاه‌نگاری ایران (از حدود ۸۰۰۰-۲۰۰۰ ق. م.)، ترجمه اکبر پورفرج/احمد چایچی امیرخیز، چاپ اول، تهران T نسل باران.
9. Braidwood, Robert J., 1961, The Iranian Prehistoric Project 1959-1960. *Iranica Antiqua*, Vol. I: 1-7.
10. Coon C.S., 1951, Cave Exploration in Iran 1949, Philadelphia: The University Museum Monographs, University Of Pennsylvania Press, Philadelphia.
11. Hamlin, Carol., 1975, Dalma Tepe, *Iran*. Vol. XIII: III.127.
12. Henrickson, Elizabeth., 1983, Ceramic styles and cultural interaction in the early and middle chalcolithic of the central Zagros. Iran, university of Toronto (Canada).
13. Henrickson, Elizabeth. F, 1985, an updated chronology of the central Zagros chalcolithic. *Iran*. XXIII.
14. Levine, Louis D, McDonald, Mary M. A., 1977, The Neolithic and Chalcolithic periods in the Mahidasht. *Iran*, volume xv: 39-50
15. Levine, Louis, and T. Cuyler Young Jr., 1986, A Summary of The ceramic assemblages of the central-western Zagros from the middle Neolithic to the late third millennium B.C. colloquies Internationaux CNRS Prehistoire de la Mesopotamia 17-18-19 December 1984P.17 Editions due to CNRS: Paris.
16. Levine. Louis D. and Mary M. A. McDonald., 1974, The Neolithic and Chalcolithic Periods in Mahidasht.
17. Mallowan, M. E. L., 1936, The Excavations at Tall Chagar Bazar, and an Archaeological Survey of the Habur Region, 1934-5, Iraq, Vol. 3, No. 1.
18. Mallowan, M. E. L., and J. Cruikshank Rose., 1935, Excavations at Tall Arpachiyah, 1933, Iraq, Vol. 2, No. 1:i-xv+1-178.
19. Schmidt, E, 1940, Flights over Ancient Cities of Iran, Chicago.
20. Smith. P. E. L., and Mortensen. P., 1980, Three new early Neolithic sites in western Iran, *Current Anthropology* 21(4): 511-512
21. Stronach, David., 1961, Excavations at Ras al 'Amiya, Iraq, Vol. 23, No. 2: 95-137
22. Von, Bearbeitet., and Stucki, Willi., ????, Unterlagen zur Keramik des Alten Vorderen Orients, von ihren Anfängen bis zum Ende Vordynastischen Zeit. 1.Teil. EA-Verlag. Zurich.
23. Young, T. Cuyler, jr, and Smith, Philip, 1966, Research in the prehistory of central-western Iran. *Science*: 386-391
24. Young. T. Cuyler, jr, 1969, Excavations at Godin Tepe, first Progress Report, Royal Ontario Museum.
25. Young. T. Cuyler, jr., and Louis, Levine, 1974, Excavations of the Godin Project: Second program report. Occasional Paper. Art and Archaeology, Royal Ontario Museum (ROM), March 1974.

